

حکمت

امام علی (ع)

خطبه ۴۱ نهج البلاغه



«ای مردم آن کس که از برادرش اطمینان و استقامت در دین و درستی راه و رسم را مشاهده کند، باید به سخنانی که این و آن درباره او می‌گویند گوش فرانههد. آگاه باشید گاهی تیرانداز تیرش به خطا می‌رود و حدس و گمان مردم گاهی نادرست است. سخن باطل فراوان گفته می‌شود، ولی سخن‌های باطل نابود خواهد شد و خداوند شنوا و گواه است. بدانید بین حق و باطل بیش از چهار انگشت فاصله نیست».

یادداشت

امام، کاریزما نداشت!



احسان رستگار

معاون ضمام

معمولاً، توصیفاتشان این‌گونه آغاز می‌شود: «امام، به عنوان یک شخصیت کاریزماتیک، همه جذبش می‌شدند» یا «از آن جایی که امام کاریزمای بالایی داشت، کسی جرأت نداشت با ایشان مخالفت کند.» و اختلاف نظر مبنایی، از همین جا آغاز می‌شود و مسأله‌ی این نگاره، این خواهد بود که «آیا اصلاً حضرت امام خمینی (ره)، به پرجاذبه (یا به قول فرنگی‌ها کاریزماتیک) بودن، فکر می‌کرده؟ اصلاً برایش اهمیتی داشته که در منظر دیگران، پرجاذبه و با ابهت به نظر برسد؟ این سؤال، شاید در ظاهر، از اهمیت چشم‌گیری برخوردار نباشد، ولی اتفاقاً بسیار مهم است، چرا که زاویه‌ای است که منظر ما به امام و امام به خودش را، مشخص می‌کند. امام، جذاب بود و تماشایی، پرجاذبه بودن و میخکوب‌کننده، اما، او نه خواسته بود چنین شود و نه برایش مهم بود. هرگز مثل دیگر سیاست‌مداران، سعی و تقلایی نکرده بود برای این که سیطره و احاطه پیدا کند بر دیگران، چه با زبان بدن و چه با کلام، چون اصلاً او نخواست به سیاست‌مدار شود. امام، شده بود، آنچه که شده بود. صیرورتی را که صلاح و حق می‌دانست، طی کرده بود و دیگر برایش مهم نبود که محبوب است یا منفور، جذاب است یا دافع، حاکم است یا محکوم؛ او، تمام جسم و روحش را بسیج کرده بود تا یک مسلمان مسلم باشد. یک تسلیم واقعی رضای خداوند که حتی وقتی محمدرضا شاه ملعون، او را به خیال واهی خود، تبعید و در به در می‌کرد، امام می‌دانست که یک در مخصوص از درهای خاصه رحمت واسعه الهی، دارد به رویش گشوده می‌شود. ما وقتی سید روح ... موسوی خمینی را می‌بینیم، معمولاً، ناخواسته در اکثر قریب به اتفاق مواقع، فقط، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران را می‌بینیم - که قطعاً دستاوردی است بی‌نظیر - اما غافلیم که امام، اگر در بیست سالگی، آنی که بود، نمی‌بود و در سی سالگی، چهل، پنجاه، شصت سالگی، در هفتاد و شش سالگی، امداد غیبی به کمکش نمی‌آمد تا بتواند نهضت انقلاب را، به پیروزی برساند. محبوب قلوب و امام دل‌ها بود چون خدا خواسته بود به وعده‌اش یعنی «إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِثْ أَقْدَامَكُمْ» را محقق کند، اما همین امام، بارها گفته بود که اگر کل دنیا با او مخالف باشند و او، به حقانیت عمل یا راهی ایمان داشته باشد، لحظه‌ای شک و درنگ در درستی و انجام آن نخواهد کرد. امام، اهل یقین بود و محاسبه‌گر به معنای سیاسی و متداولش نبود، جز حساب‌رسی از خود، در جهت تام و تمام عمل به دستورات خداوند و دینش. امام امام شد، از روزی که خود را در نظر گرفت، جز برای خدا. و این واقعیت، برای بسیاری از ما، ناگوار است که بپذیریم، امام، تفاوتش با اکثر ما، در جهان‌بینی‌اش بود، نه در هوشش؛ در اهل یقین بودنش بود، نه فقط در جهد و کوشش! امام، فقط می‌خواست سرباز خدا و اسلام باشد و خدا خواست که رهبر مسلمین جهان شود. او اگر امام مسلمانان انقلابی جهان هم نمی‌شد به خواسته‌اش رسیده بود، چرا که روح خدا، خواسته‌ای جز برای خدا بودن، نداشت و جلال و جبروت ایشان، برکتی بود که خداوند دمیده بود بر ایشان تا حق، غالب شود بر طاغوت، که اگر جز این بود، در شخصی که قدرتمندترین مسلمان روزگار خود بود، آن تواضع و خداترسی، مشهود نمی‌بود. کاش نصرتی که خدا به امام روح ... کرد را، با نگاه مادی‌گرایانه، نبینیم و تحلیل نکنیم.

گفت و گو با استاد مجید شاه‌حسینی

او خود را ندید و خدا او را دید!



دسترسی ندارند. لطف و عنایت خداست که در قالب نظام وکالت (در ساحت فقه این‌طور می‌گویند) یا نظام مرجعیت که جنسی از نیابت عام حضرت حجت را در دوران ظهور در جامعه جاری می‌کند و امکان هدایت را برای بشر از طریق این نظام برای بشر فراهم می‌کند. اگر ما آدم‌های باهوشی هستیم باید این برنامه را فهمیده باشیم و بدانیم کسی که خودش را در معرض برنامه الهی قرار می‌دهد، نصرت خاص می‌شود؛ امام این را فهمیده بود.

■ از آن جایی که امام جهان‌بینی‌اش مبتنی بر اعتقاد و یقین بوده، در معرض برکات این جهان‌بینی قرار می‌گیرد؟

بله. در معرض نصرت خاصه الهی قرار می‌گیرد. اگر در دوران غیبت آسمان را بری فرض کنیم، ایشان دقیقاً می‌دانسته خورشید کجای این آسمان قرار گرفته است. مسیر تابش نور را می‌دانسته، ابرها را کنار زده و از آنجا نوری تابانده است و با این کار توانسته رشدی را برای مردم همراه خودش رقم بزند.

■ آدم‌هایی خیلی فراتر از مقلدانش.

دقیقاً! ایرانیان، شیعیان، مستضعفین جهان و همه گویی در مسیر فتوسنتز تراویده از این نور هدایت رشد کرده‌اند. جهان قبل از امام خمینی و جهان بعد از او فرسنگ‌ها فاصله دارد. کمتر مصلحی را در جهان معاصر می‌توانیم نام ببریم که به اندازه امام خمینی تاریخ زمان خود را تغییر داده باشد. با این حال، هرگز پیروزی انقلاب اسلامی را به خود نسبت نداد؛ آن را به خدا نسبت داد و گفت فقط به عنوان یک کارگزار الهی این برنامه را دیدم. رفت در مسیر قرار گرفت، نصرت شد، خدا اذن داد و انقلاب شد.

■ یعنی تواضع و اقتدار تواما!

بله این نگاه یعنی موقعیت‌شناسی امام در کنار تواضع، موجب شد تا متواضع‌ترین و در عین حال مقتدرترین رهبر باشد. جنس اقتدار امام از جنس تواضع بود. مصداق بارز اشداء علی الکفار و رحماء بینهم بود. مردم و مستضعفان، ایشان را مصداق بارز مهربانی و تواضع می‌دیدند

■ امامی که می‌شناسیم و امام افکار عمومی سال ۱۴۰۱، تا چه اندازه فرهنگی است؟ چقدر اجتماعی است؟ چقدر فیلسوف و حکیم است؟

علت این تصویرسازی ناقص چیست و چرا ما امام را معمولاً، خلاصه در قالب سیاسی ایشان می‌شناسیم؟

شناخت جامعه نسبت به شخصیت ایشان کامل نیست. شخصیت ذو ابعاد دارند. رهبر یک نهضت و انقلاب، حکیم و فیلسوف، شاعر، عارف و سیاستمدار با این همه طبیعی است هر کس از منظر خود، با دلایل و در حوزه علایق و فعالیت‌های خود ایشان را بشناسد. اما مهم این است که امام یک شخصیت است و همه این ابعاد را دارد و آدم‌های ذو ابعاد وقتی تصمیم می‌گیرند قاعدتاً با همه ابعاد و جودی تصمیم می‌گیرند. یعنی وقتی امام این همه معلومات را در وجود خود گرد آورده بود و وقتی تصمیمی گرفت یک هم‌افزایی معرفتی حاصل از همه این ابعاد در او شکل گرفت. این ابعاد فراوان تکمیل‌کننده یکدیگرند.

■ از امامی بفرمایید که هم شاعر بود و هم مرجع تقلیدی اعلم.

اگر امام به امور سیاسی و فقهی دقت دارد و در کنارش عارف و شاعر است، اینها با هم تلازم دارند. امام در کنارش در مردم‌شناسی هم ید طولایی دارد. به همین دلیل است که می‌گوید پیروان من یا در گهواره‌اند و یا هنوز به دنیا نیامده‌اند. یعنی من از آینده‌ای حرف می‌زنم که سربازانش بعداً خواهند آمد. یعنی برای آن دوره جهان را مدیریت می‌کنم. پس هم مردم‌شناس خوبی است و هم جامعه را خوب می‌شناسد. آینده‌شناس هم هست و ذو ابعاد بودن ایشان است که به او تأثیری فراتر از سایر مراجع دارد.

■ آیا همه اینها فقط به واسطه هوش امام بود؟

این همه را نه تنها به هوش و ذکاوت امام بلکه به امدادهای غیبی هم نسبت می‌دهیم. امام، تمام هوش و ذکاوتی که داشته را در معرض امداد الهی قرار داده است. همیشه خداوند همه لحظات تاریخ به بندگان خودش عنایت داشته است. برای کمال بشر هم انبیا را فرستاده و حالا دوران غیبت کبری است و مردم به امام معصوم خود